

شهروند موضوع روابط خارجی ایران، آینده روابط تهران با مسکو، یکن، اروپا و آمریکا ، از یکسو مشکلات و جناح بندی ها و کارشکنی های داخلی از سوی دیگر و همچنین ضرورت توجه به مشکلات اقتصادی مردم و بهبود وضعیت معیشت آنان ، داستان تکراری این روزها و ماهها و سال ها بوده اس. امید به اتخاذ راهکار مناسب، عزتمند و در چارچوب منافع ملی، آرزویی است که مردم در دل می‌پروراندو مطالبه آن را از دولت و سایر قوادارند.پزشکیان باشعار وفاق و پرهیز از دعوای میدان آمدو حالا همه منتظرند ببینند که وفاق به بار خواهد نشست یا با حذف همتی و ظریف از کابینه، وفاق هم حذف خواهد شد.

شبیه سازی حمله نظامی به ایران

آینده اقتصاد چه می شود؟ چه کسی به این پرسش پاسخ خواهد داد؟ محمود سریع القلم، استاد دانشگاه شهید بهشتی، در همایش «چشم‌انداز اقتصاد ایران ۱۴۰۴»، روندهای اقتصاد سیاسی در سال ۲۰۲۵ را بررسی کرد.

به گزارش اکوایران، وی در این همایش به تأثیرات سیاست‌های ترامپ بر خاورمیانه اشاره کرد و گفت: ترامپ به شدت تحت تأثیر ارتودوکس‌های اسرائیلی قرار دارد و بسیاری از دستورکارهای خود را از آن‌ها دریافت کرده است. او به لبنان توصیه کرده که هرچه زودتر به قرارداد آبراهام بپیوندد و اعلام کرده که آمریکا امکانات نظامی و اقتصادی را در اختیار لبنان قرار خواهد داد. مشروط بر اینکه مسائل خود را با اسرائیل حل کند.

سریع القلم همچنین پیش‌بینی کرد که در چهار سال آینده، روابط عربی خلیج فارس با آمریکا به طور قابل توجهی گسترش خواهد یافت. او افزود که آمریکا در تلاش است تا سنای این کشور را برای نهایی کردن قرارداد امنیتی با عربستان اقناع کند، تا عربستان نیز قرارداد آبراهام را امضا کند.

وی ادامه داد: آمریکا بسیاری از مسائل نظامی خود را در عراق به انگلستان واگذار کرده و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در دوره ترامپ ثروتمندتر و از نظر سیاسی مهم‌تر خواهند شد. مدیریت از راه دور سوریه و لبنان نیز از طریق امارات، قطر، عربستان و ترکیه انجام خواهد شد.

سریع القلم به فشارهای آمریکا بر برنامه هسته‌ای ایران اشاره کرد و گفت که این کشور تلاش می‌کند گزینه حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران را جدی‌تر مطرح کند. او توضیح داد که در نوادای آمریکا، این حمله نظامی شبیه‌سازی شده و حدود یک و نیم روز عملیات نظامی و هسته‌ای به‌طول خواهد انجامید. در نهایت، وی خاطرنشان کرد که سرمایه‌های حوزه خلیج فارس تا حد یک تریلیون دلار در چهار سال آینده به آمریکا منتقل خواهند شد.

ظریف حریف ترامپ و نتانیاهو می‌شد

امابشود یاد تأثیرات حذف ظریف بر روابط خارجی تهران. به نوشته خبر آنلاین، دکتر ناصر هادیان، استاد روابط بین‌الملل معتقد است کنار رفتن دکتر ظریف از معاونت راهبردی ریاست جمهوری، موجب عدم بهره‌مندی کشور از خدمات او به‌عنوان سرمایه ملی می‌شود.

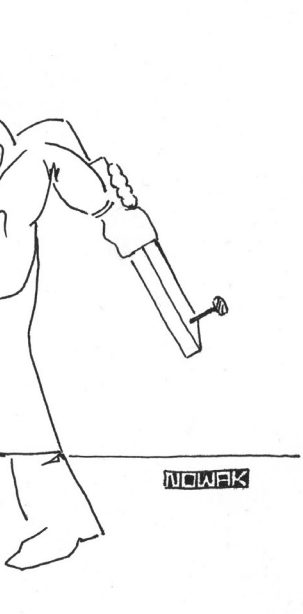
کشورهای کمی هستند که این‌گونه به خود و سرمایه‌ای ملی‌شان ضربه بزنند و اساسا در دنیا نادر است که قانونی به این حد خلاف مصالح ملی تصویب شود. این قانون اساسی‌اری مهار آقای ظریف و جلوگیری از پست گرفتن آقای ظریف تصویب شده و این اشتباه محض است که قانون برای یک فرد بگذرانید.

در این قانون یختگی، عقلانیت و خرد لازم وجود ندارد. {نتیجه} این قانون فقط این نیست که یک فرد منع شود بلکه مانع بهره بردن کشور و مردم از وجود این افراد می‌شود. مگر کشور چند ظریف دارد؟ به عنوان یک کارشناس می‌توانم بگویم آقای ظریف متاسفانه و متاسفانه در موقعیت منحصر به فردی قرار دارد و هیچکس نمی‌تواند جایش را بگیرد. هیچ کس در امر بین الملل و دیپلماسی عمومی و ارتباط با رسانه‌ها نمی‌تواند جای ایشان را بگیرد. البته استعاره تاسف است که چرا کشور نتوانسته در فرد مثل ظریف تربیت کند. او یک سرمایه اجتماعی بین المللی برای ماست، هر وزیر خارجه، رئیس جمهور، صدراعظم و نخست وزیری در دنیا عاشق این است که با او یک عکس یادگاری بگیرد. اراده کند با هر نشریه و رسانه و تلویزیونی در جهان می‌تواند مصاحبه کند.

قانون مشاغل خاص قربانیان دیگری خواهد داشت. اگرچه هدف اولیه آقای ظریف بود ولی موارد زیادی را در جاهای دیگر در برخورد گرفت. مثلا استادان دانشگاه زیادی هستند که در کشورهای دیگر درس خوانده‌اند و در آن جا بچه‌دار شده‌اند و الان به خاطر این قانون نمی‌توانند رییس دانشکده ودانشگاه شوند. حتی نمی‌توانند استخدام دانشگاه شوند.

مگر ما می‌توانیم به‌د ختر یا پسری که ۲۵ یا ۴۰ سالش است بگویم که چه کار بکند یا نکند؟ مگر پسر آقای {محسن} رضایی که رفت و در کشور دیگری پناهنده شد و علیه مملکت هم حرف زد می‌توانیم بگویم که آقای رضایی باید فلان شود؟ پسر آقای رضایی بزرگ شده و خودش می‌تواند در مورد زندگی‌اش تصمیم بگیرد.

فرزندان دکتر ظریف که ایران هستند ولی حتی



یادداشت‌های شهر شلوغ

عقل سلیم و زخم‌های اقتصادی و اجتماعی

برچسب‌ها و فشارها با ظریف مقابله کنند. چون توان مقابله از جنس دیگری را ندارند و تلاش می‌کنند ایشان را لوئ کنند.

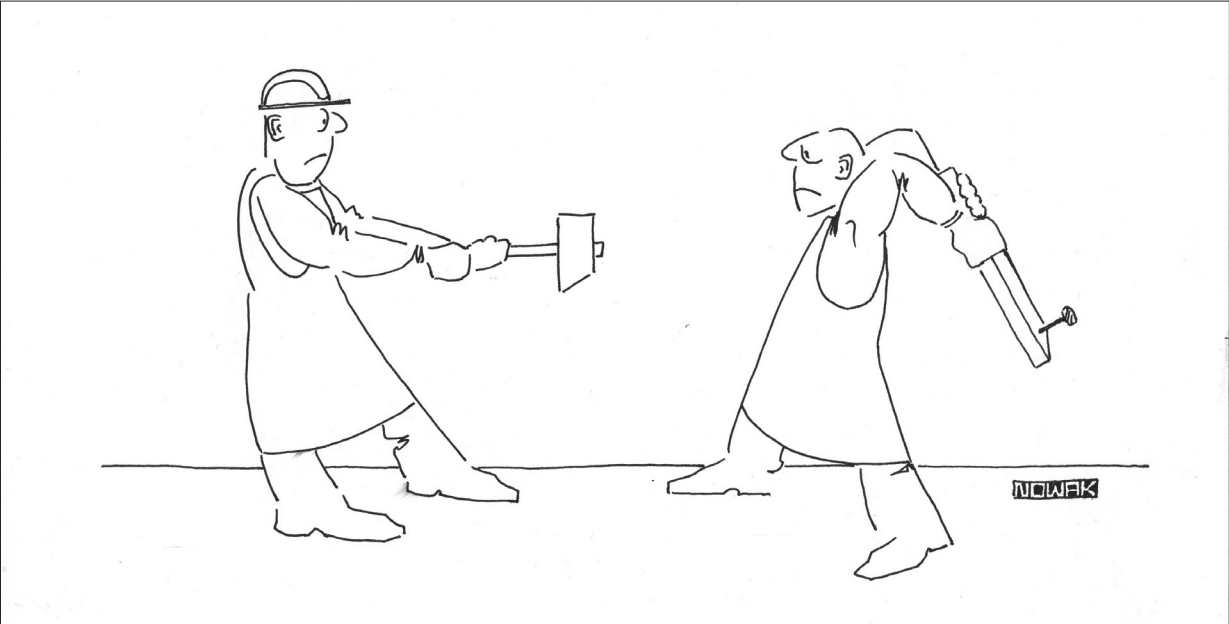
معاون سیاسی و بین الملل معاونت راهبردی ریاست جمهوری تاکید کرد: «به‌هر حال آقای اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه ایشان را دعوت کرده و توضیحاتی که در مورد ارجاع پرونده از طرف مجلس به دیوان عدالت اداری دادند. این تلقی را برای آقای ظریف به وجود آورده که کنار گذاشته شده است و ایشان با این امر در واقع موافقت کردند؛ بنابراین این به معنی «استعفا» نیست.»

او با اشاره به اینکه از همان زمان ظریف به معاونت راهبردی هم نرفته است، گفت: «ایشان به دانشگاه برگشتند.» کریمی در پاسخ به این سوال که ظریف می‌توانست چه نقشی را در دولت پزشکیان ایفا کند که به این همه فشار منجر شد؟ بیان کرد: «کشور مادچار چالش‌ها و ایرجالش‌ها، بحران‌ها و ابربحران‌های جدی است که تعداد معدودی از جنس ناترازی‌ها و... برای مردم محسوس شده و تعداد بیشتر و فقرات مهم‌تر آن در آینده محسوس خواهد شد و نیازمند نگاه‌های فرابخشی و فراموضعی راهبردی است که یک توان ذهنی و اشراف نظری دقیق و خاصی می‌خواهد که من به جز آقای ظریف در دولت کنونی سراغ ندارم. تعداد نیروهای انسانی متخصصی که بتوانند طراحی‌های راهبردی کلان داشته باشند، بسیار کم است که با افراد دیگر که به دنبال اقدامات جاری و روزمره‌اند تفاوت بسیاری دارند. برای رفتن به سمت طراحی نوعی حل مسائل فرابخشی و فرامری کشور در افاق‌های راهبردی به یک تیم درجه اولی (که خلأ آن در دولت کاملاً حس می‌شد) نیاز بود.»

معاون سیاسی و بین الملل معاونت راهبردی ریاست جمهوری تاکید کرد: «ظریف باید از مدار خارج می‌شد تا ضعف‌های دیگران دیده‌نشود.» کریمی در پاسخ به این سوال که موضوع آقای پزشکیان درباره این استعفا چیست؟ گفت: «آقای پزشکیان در ابتدا با این برداشت آقای ظریف مخالف بود و با نظر آقای اژه‌ای همراه نبود. تا جایی که شنیدم خواسته که ظریف برگردد، اما شرایط داخلی دولت و حملات از خارج دولت در طول شش، هفت ماه گذشته به آقای ظریف، شرایط حمایت از ایشان را در چالش قرار داده است. ضمن آنکه آقای پزشکیان در ۷۲ ساعت گذشته موضع‌گیری علنی نکرده است و من شظیف از این اقدام برداشتی مبنی بر عدم حمایت از ظریف دارم.» او در پاسخ به این سوال که چرا دوگانه‌هایی درباره موازی‌کاری با وزارت امورخارجه مطرح می‌شد؟ آیا گروه ویژه دیپلماتیک در معاونت راهبردی ایجاد شده بود؟ گفت: «معاونت راهبردی چهار تا معاون داشت از جمله، معاونت سیاسی و بین الملل، معاون اقتصادی زیربنایی، معاون اجتماعی و فرهنگی و راهبردهای ملی، وزن آقای ظریف در موضوعات بین‌المللی طبیعتاً معاونت سیاسی و بین الملل را بیشتر نمایان کرده است. اگر آقای طبیب‌نیا معاون راهبردی باشد طبیعتاً موضوعات اقتصادی رنگ بیشتری به خود می‌گیرد. علی‌الحال قرار نبود که موازی‌کاری صورت بگیرد و ما جلسات هفتگی به صورت مرتب با چند معاونت وزارت امورخارجه داریم.»

او با اشاره به اینکه ظریف تواضع و توان بسیار زیادی دارد، افزود: «بخشی را از منابع شخصی خود جبران کردند، اما به‌هر حال انبیاشت گلابیه‌ها باعث این اتفاق شد. لایحه اصلاح قانون مشاغل حساس متاسفانه طوری که مینا بود تنظیم نشد و دستوراتی که صادر شده بود برای خارج شدن تابعیت قه‌ری از این قانون، انجام نشد و دوستان در تنظیم پیش‌نویس لایحه دنبال حل مشکل خود بودند و به همین دلیل هم لایحه از مجلس برگشت، چون تمام خود اکتسابی‌ها و... که هدف قانون بود نیز در این اصلاحات لحاظ شده بود. در حقیقت حضور آقای ظریف راه‌زنه حل مشکل خودشان کردند. مشکل که به این شکل حل نمی‌شود و دوستانی که خود و فرزندشان دارای تابعیت اکتسابی بودند به دنبال حل مشکل خود بودند. به همین دلیل هم از حل مشکلی که به‌ناحق برای آقای ظریف پیش آمده بود، خودداری کردند.» کریمی در پاسخ به این سوال که آقای ظریف هزینه تعمیرات ساختمان معاونت را خود پرداخت کرده است؟ گفت: «هزینه تعمیر نه، اما هزینه احداث یک سالن بزرگ ۸۰ نفره را پرداخت کرد. آنهم از منابع غیردولتی.»

او درباره استعفا ی ظریف تاکید کرد: «ایشان استعفا ندادند و تلقی‌اش این است که از کار کنار گذاشته شده است. این دو مفهوم خیلی متفاوت است. حال کسانی که می‌خواهند تقصیرات خود را بپوشانند یا افرادی که از همه گرایش‌ها به غایت می‌ترسند در تلاشند که برچسب‌هایی مانند دادن استعفا... به ایشان بزنند. از سوی دیگریک صدم این فشارهای داخل و خارج و برچسب‌هایی که ظریف محمل می‌شود، باعث حذف شدن یا انصراف دادن هر کس دیگری در ایران می‌شود. می‌خواهند با این



یادداشت‌های شهر شلوغ

عقل سلیم و زخم‌های اقتصادی و اجتماعی

گل بزنند.»
عده‌ای آتش به پایمی‌کنند

روزنامه خراسان هم به سراغ موضوعی فراتر از حذف ظریف و همتی رفته و نوشت: اجرای قانون جدید عفاف و حجاب یکی از این موضوع هاست. این توضیح لازم است که در این مطلب به حجیت شرعی یا قانونی حجاب و مسائل مرتبط با آن نمی‌پردازیم؛ حتی بنا نداریم درباره روند تهیه قانون و اشکالات احتمالی و حواشی آن اشاره ای داشته باشیم. بلکه مسئله‌ای که در روزهای اخیر مورد توجه قرار گرفته است، زمان و نحوه اجرای این قانون چالش برانگیز است. مباحث مطرح شده طی ماه‌های اخیر نشان داد که به رغم باورمندی عموم جامعه به ارزشمندی حجاب و اجرای آن از سوی بخش بزرگی از مردم، اما درباره نحوه مواجهه با افرادی که این مسئله را رعایت نمی‌کنند ابهامات و تردیدهایی وجود دارد که با انتشار جزئیات قانون عفاف و حجاب مورد توجه بیشتر قرار گرفت. مسئله ای که به نظر می‌رسد در این مرحله نیازمند سرمایه و همراهی اجتماعی قابل ملاحظه‌ای است به شکلی که دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی هم این ملاحظات را مورد توجه قرار داد و اجرای آن را به‌زمان مناسب موکول کرد.

عقل سلیم حکم می‌کند که با توجه به زخم‌های اقتصاد و اجتماعی زمان اجرای قانون فراتر رسیده است؛ به عبارتی چالش‌های متعدد معیشتی بر تن رنجور طبقات مختلف مردم، آستانه تحمل پذیری را به شدت کاهش داده است و هرگونه تنش در شرایط موجود در حکم جرعه بر آتشی است که پیامدهای نامعلوم دارد. در کنار ریسک‌های یادشده، دشمنان خارجی نیز به طور پیوسته سرمایه اجتماعی را هدف گرفته اند و اختلاف را موهبتی برای خود می‌دانند.

بر این اساس عقلانیت حکمرانی بر درستی تصمیم شورای عالی امنیت ملی صحه می‌گذارد زیرا اولویت ها در شرایط جاری روشن و بدیهی است. بنابر اصل ساده اولویت ها در حکمرانی نشان می‌دهد تصمیم شورای عالی امنیت ملی درباره تعویق اجرای قانون به لحاظ اصول اولیه سیاسی و اجتماعی مدیرانه و سنجیده است؛ زیرا تن نحیف اجتماعی آماده مواجهه جدید برای حل چالش‌های جدید نیست. اما در بخش متنوع موضوع برخی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی به صورت مستمر و مجدانه از مسئولان کشور تقاضای اجرای قانون عفاف و حجاب را دارند. این جریان‌ها چنان بر اجرای قانون همت گما درده‌اند که انگار در کشور مسئله مهم‌تر و حیاتی‌تر وجود ندارد و در صورت عدم اجرای این قانون هنوز نیستی کشور یکسره بر فنا خواهد بود. توضیحات مکرر برخی صاحب‌نظران، کارشناسان و مدیران ارشد کشور درباره این موضوع نیز نه تنها موجب آرامش این گروه سیاسی نشده است بلکه اصرار و جنجال رسانه ای همچنان ادامه دارد. بنابراین به سادگی می‌توان فهمید که مسئله برخی گروه‌ها صرفاً حجاب یا عفاف نیست و منافع ملی به عنوان مهم‌ترین شاخص اجرا و رفتار سیاسی در کشور به کنار گذاشته شده‌است.

این فضا با به حاشیه بردن دولت ، به آشوب کشیدن جامعه و پرداختن به مسائل غیر اولویت دار و جنجالی و تقدم امر سیاسی و حزبی بر منافع ملی آتشی ایجاد می‌کند که از دود آن چشمان را باید بست. گرچه وفاق نظریه ای است که تاکنون عمق کافی را نداشته اما به چاقوی نفاق زخمش را می‌توان عمیق و عمیق‌تر کرد. این موضوع از سه حالت خارج نیست، فقدان تشخیص مناسب یا ترجیح منافع گروهی و حزبی بر منافع ملی و یا نفوذ به قصد برهم‌زدن نظم. برای گروه اول امیدوار هستیم که با توضیحات کارشناسان و مسئولان امنیت کشور ، ابهام زدوده شود؛ اما گروه دوم باید بدانند در صورتی که این آتش

برپا شود نتیجه‌ای جز خسارت برای همه گروه‌ها و افراد نخواهد داشت و امکان سیاست ورزی برای همه از بین می‌رود؛ درباره گروه سوم نیز که تکلیف روشن است.

سودای بازگشت به دبیری شورای عالی امنیت ملی

ظاهرا بهانه اخیر دعوا میان قالیباف و هواداران سعید جلیلی که در رسانه‌ها از آنها با عنوان باجوش‌های مجلس یاد می‌شود، ابلاغ نکردن قانون حجاب و عفاف است؛ اما به نوشته روزنامه شرق به نظر می‌رسد این اختلاف سطحی بالاتر دارد. آنها که بیش از یک دهه است مناصب کلیدی در شورای عالی امنیت ملی را در دست داشته و در پی انتخابات اخیر این پست‌های حساس را واگذار کرده‌اند، ظاهرا بار دیگر خواهان تصاحب این سمت‌ها هستند. اما برای چه کسی؟ آیا دوباره جلیلی را کاندیدای دبیری این شورا می‌دانند و چرا تصاحب مناصب کلیدی در شورای عالی امنیت ملی چنین جذابیتی دارد، پای پول در میان است یا قدرت و یا هر دو؟

در شرایطی که بار دیگر کشور نیاز به دورزدن تحریم‌ها دارد، قرار است مانند سال‌های ۹۰ تا ۹۲ فروش نفت در اختیار تیمی خاص قرار بگیرد به نظر می‌رسد این دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی است که تصمیم‌های کلیدی را می‌گیرد. فراموش نباید کرد این شورا از چنان جایگاهی برخوردار است که می‌تواند مصوب و قانون مجلس را معلق نگه دارد و حتی در اختلاف میان قواننشی مستقل بازی کند.

اخیرا محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس در یک جلسه دانشجویی شرکت کرده و در آنجا وقتی در مورد ابلاغ نکردن قانون حجاب و عفاف با انتقاد روبه‌رو می‌شود سوال کنندگان را به مصوبه شورای عالی امنیت ملی ارجاع داده. همین توضیحات پس از آن نیز در یک نشست دیگر از سوی مشاور سیاسی قالیباف در رسانه‌ها تکرار شد. براساس این توضیحات، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به دلیل شرایط ویژه تصمیم‌گرفته مانع از ابلاغ این قانون شود.

در همین باره یکی از اعضای لیست «باجوش‌های مجلس» (نامی که خودشان در انتخابات ۱۴۰۲ برای خود برگزیدند) در پاسخ به اظهارات قالیباف واکنش نشان داده است؛ واکتشی که دقت در لابه‌لای سطور آن نشان می‌دهد موضوع فراتر از قالیباف و حتی قانون حجاب و عفاف است. این تیم که به سعید جلیلی نامزد شکست خورده انتخابات ریاست جمهوری و مهمترین اپوزیسیون دولت مسعود پزشکیان نزدیک است، اساساً زمانی که جلیلی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی را در سال ۱۳۹۲ از دست داد، تا همین امروز این پست را زیر نظر و ضربه خود قرار داده‌اند.

آنها در دوران روحانی نتوانستند به مقصود برسند و قافیه را به علی شمخانی باختند. پس آن نیز با وجود تلاش‌های بی‌وقفه برای تغییر شمخانی از دبیری شورای عالی امنیت ملی تیرشان به سنگ خورد تا اینکه در نهایت در پایان سال ۱۴۰۱ دبیر این شورا تغییر کرد؛ اما باز هم به‌به میل آنان.

چنانکه قالیباف می‌گوید، تصمیم دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی درباره توقف ابلاغ قانون حجاب، به دلیل مصوبه‌ای بوده که از قبل وجود داشته است؛ مصوبه‌ای که مدافعان جلیلی و باجوش‌ها هم آن را رد نمی‌کنند، اما معتقدند این اختیار فقط به دلیل مسائل و تصمیمات جزئی به دبیرخانه داده شده‌است.

روزنامه شرق در اینبار نوشته است: با توجه به مجموعه اتفاقات، به نظر می‌رسد چند نکته قابل استنتاج است:

۱- تنها کارنامه اجرایی جلیلی حضور در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و معاونت وزارت خارجه است. او هیچ سابقه دیگری که با آن بتواند ادعای مدیریت کشور را داشته باشد در کارنامه ندارد. این سمت هم از سال ۹۲ از او گرفته شد. او اکنون سال‌هاست که مانند دیگران فقط یک صندلی عضویت در این شورا دارد، اما با اتکا به همین مسئله سه بار در انتخابات شرکت کرده است؛ یک بار انصراف داد و دوبار شکست خورد. بازگشت جلیلی به دبیری شورای عالی امنیت ملی می‌تواند وجهه او را بار دیگر ترمیم‌کند.

۲- اگرچه پرونده مذاکرات هسته‌ای در وزارت خارجه نیست، اما در دبیرخانه هم فلا نیست. ممکن است ارزیابی آنها این باشد که می‌شود با گرفتن دبیرخانه، پیرونده را به این شورا بازگرداند و دست‌کم در دوران ترامپ اگر هم قرار به مذاکره باشد، آن را از کانال خود به پیش ببرد.

۳ - در دورانی که فشار حداکثری ترامپ وجود دارد، با تسلط بر دبیرخانه آنها توان گرفتن تصمیمات درباره مسائل مرتبط با فروش نفت را خواهند داشت. فراموش نکنیم که یک بار بیژن زنگنه، وزیر سابق نفت، مشخصاً از جلیلی سؤال کرده بود: «ب.ز» یا ایشان جلیلی باید توضیح بدهد رابطه آقای «ب.ز» با ایشان و ستاد ایشان چیست؟ آیا با خروج «ب.ز» از زندان آنها بار دیگر به دنبال تسلط بر سیستم فروش نفت از طریق دورزدن تحریم‌ها هستند؟

تمام این اهداف فقط با یک تغییر می‌تواند انجام شود، آن هم نشستن دوباره سعید جلیلی بر مسند دبیری شورای عالی امنیت ملی است. آیا آنها به اهداف خود می‌رسند؟